

<div><div></div><div>Tue, 6 Jun 2023</div></div>
۱۷ ذوالقعدة ۱۴۴۴ - سال هجره
شماره ۲۴۴۸
اصفحہ-۵۰۰۰تومان
www.forsatnet.ir

سر مقاله

سرنوشت یک قانون بعد از ۴ دهه

علی نظامیان دبیر کمیسیون حقوقی کانون بانکها بانک و بانکداری در کشورمان مولود مقررات شرعی نبوده، بلکه پدیدهای کاملا وارداتی بوده است که نحوه کارکرد آن نیز در خارج طراحی شده ولی در طول سالیان کم کم در ایران بومی‌سازی شده است. نخستین بانکی که در ایران اقدام به تأسیس شعبه نمود، بانک شرق جدید «New Oriental» یا «New East» در سال ۱۲۶۷ بود. در همین سال، واگذاری امتیازنامه رویتز توسط ناصرالدین‌شاه صورت گرفت که یکی از موارد آن، تأسیس بانک شاهی بود و این بانک در آن زمان تأسیس و اقدام به نشر اسکناس‌های ۲ تا ۵۰۰ تومانی نمود. همچنین از سال‌ها پیش، فقهای صاحب نام شعبه به اقتضای زمانه بعضاً و حسب مورد فتاوایی راجع به برخی مسائل مرتبط با مباحث بانکی نظیر چک، سفته، حساب بانکی و انواع ربای معاملی و ربای قرضی ارائه داده‌اند که مورد استفاده مقلدین آنان قرار گرفته است. بنابراین بر مبنای پیشینه بانک و بانکداری، اصطلاحی نوظهور به نام «بانکداری اسلامی» فاقد پیشینه تاریخی و علمی در ایران است. اما در دهه ۱۳۶۰، قانونگذار با هدف زدودن ربا از عملیات بانکی و همچنین استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل، تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار، حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و سایر خدماتی که به موجب قانون برعهده بانک گذاشته می‌شود، قانون عملیات بانکی بدون ربا را در شهریورماه ۱۳۴۲ تصویب و چارچوبی مشخص برای عملیات بانکی بدون ربا ارائه داد.

ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب وکار آفرینی



آزمون و خطای ارز چندنرخ‌ی در اقتصاد ایران ادامه دارد

مصائب سیاست‌گذاری ارزی

توسعه‌ای، مؤسسه اعتباری پس‌انداز و تسهیلات مسکن،

مؤسسه اعتباری قرض‌الحسنه و مؤسسه اعتباری جامع (که برگردان بانک‌های فعلی است) تقسیم شده است.

دوم؛ در بخش تأمین و تجهیز منابع بانک‌ها، دریافت و نگهداری وجوه توسط مؤسسات اعتباری در قالب «حساب جاری»، «حساب سپرده قرض‌الحسنه» و «حساب سپرده سرمایه‌گذاری» با شرایط مذکور در این قانون، قانون عملیات بانکی بدون ربا (بپهره) مصوب ۱۳۶۲/۶/۱۰ و اصلاحات بعدی آن و رعایت دستورالعمل‌های ابلاغی بانک مرکزی مجاز اعلام شده است. همچنین افتتاح و نگهداری هر نوع حساب توسط مؤسسات اعتباری، منوط به دریافت مجوز مربوط به همان نوع، از بانک مرکزی شده است.

سوم؛ در مورد حساب جاری رابطه حقوقی مؤسسه اعتباری با صاحبان حساب‌جاری براساس «عقد قرض بدون سود» پایه‌گذاری شده است. پرسش آن است که مگر در مقررات حقوقی یا شرعی، عقدی به نام «عقد قرض با سود» داریم که اکنون نقطه مقابل آن یعنی «عقد قرض بدون سود» مطرح می‌شود؟! براساس متن پیشنهادی، مؤسسه اعتباری بازپرداخت سپرده‌های جاری را به صورت «عندالمطالبه» تضمین می‌کند. همچنین مؤسسه اعتباری می‌تواند به درخواست صاحب حساب، در چارچوب ضوابط اعلامی بانک مرکزی، به وی دسته‌چک اعطا کند و بالاخره تأکید شده که به موجودی حساب‌جاری اشخاص نزد مؤسسه اعتباری سود تعلق نمی‌گیرد.

چهارم؛ در مورد حساب سپرده قرض و روابط حقوقی بین بانک‌ها و مشتریان، نکات زیر در متن قانون پیشنهادی جالب توجه است: برخلاف قانون عملیات بانکی بدون ربا که رابطه حقوقی بانک سپرده‌گذار قرض و قرض‌گیرنده است، در طرح پیشنهادی جدید رابطه حقوقی سپرده‌گذار با مؤسسه اعتباری در سپرده قرض‌الحسنه، «وکالت برای اعطای قرض‌الحسنه» است؛ یعنی مردمان سپرده‌گذار با بانک وکالت می‌دهند که به وکالت از آنها به نیازمندان و بنگاه‌های اقتصادی وام قرض‌الحسنه دهد. همچنین بر مبنای طراحی جدید مؤسسه اعتباری به موجب قرارداد متعهد می‌شود وجوه سپرده‌گذاران را بعد از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی که حدود آن توسط هیأت عالی تعیین می‌شود، مطابق ماده (۳۲) این قانون، صرف پرداخت تسهیلات خُرد قرض‌الحسنه کند و بالاخره اینکه مؤسسه اعتباری بازپرداخت اصل سپرده قرض‌الحسنه سپرده‌گذاران را به صورت «عندالمطالبه» تضمین می‌کند.

دانش‌آموختگان علم حقوق می‌دانند وقتی ما در سپرده قرض‌الحسنه، نقش بانک‌ها را به «وکیل سپرده‌گذار برای پرداخت وام قرض» تغییر می‌دهیم، بر این مبنا بانک وکیل و امین است. بنا بر قاعده «الأمینن لا یضمنن إلا بالتعدي أو بالتفريط»، بانک مسئولتی در برابر سوخت شدن سپرده‌گذار ناشی از مطالبات معوق نخواهد داشت. پس بر مبنای کدام منطق حقوقی در بند «ب» ماده ۲۷ گفته شده است «مؤسسه اعتباری بازپرداخت اصل سپرده قرض‌الحسنه سپرده‌گذاران را به صورت «عندالمطالبه» تضمین می‌کند.» نمی‌توان به آثار حقوقی یک قاعده حقوقی (پرداخت وام قرض‌الحسنه به وکالت از سپرده‌گذاران) بی‌اعتنا بود.

پنجم؛ طراحان طرح بانکداری به‌جای حساب سپرده مدت‌دار، اکنون در طرح جدید حساسی جدید به نام حساب سرمایه‌گذاری ابداع کرده و تأکید دارند: «حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری» «حساب سپرده سرمایه‌گذاری» تقسیم می‌شود. عقد فی‌مابین مؤسسه اعتباری و سپرده‌گذار در

در وام قرض‌الحسنه اساسا سود پرداخت نمی‌شود.

قانون عملیات بانکی بدون ربا با این چارچوب شرعی پس از تأیید شرعی و قانونی شورای نگهبان به مرحله اجرا درآمد و در زمان تصویب آن کسی نقد جدی بر غیرشرعی بودن مواد مختلف این قانون نگرفت. اکنون چهار دهه از عمر این قانون و اجرای آن در شبکه بانکی کشور می‌گذرد. پرسش پیش روی مردم و صاحب‌نظران بانکی، این است که آیا قانون عملیات بانکی بدون ربا در طول چهار دهه اجرا توانسته است به هدف اصلی خود یعنی زدودن ربا از عملیات بانکی دستت یابد و ربا را از عملیات بانکی به طور کامل حذف کند، یا آنکه ربا در عملیات بانکی هنوز پابرجاست و حوزه بانکداری نیاز به قوانین کارآمد جدید دارد؟

در پاسخ به این پرسش باید به این واقعیت توجه داشت که ربا (usury) در بیشتر سیستم‌های پولی و بانکی دنیا، پدیده‌ای بسیار نامطلوب است. بانک‌ها و اشخاص مجاز به گرفتن ربا نیستند، اما ربا در هر کشور، تعریف قانونی خاص خود را دارد و ممکن است تعریف ربا و مصادیق آن در کشورهای دیگر با تعریف فقهی ربا در فقه شیعه یا فقه اهل‌سنت کاملا متفاوت باشد. شایع‌ترین تعریف از پدیده ربا (usury) در بانکداری غربی، عبارت است از وام دادن با بهره متکی بر نرخ‌های گزاف و غیرمتعارف و به طور خاص بهره بانکی بیش از نرخ قانونی که از وام‌گیرنده برای استفاده از پول دریافت می‌شود. به همین جهت در تعریف ربا (usury) گفته شده بهره‌ای است که وام‌دهنده از وام‌گیرنده به نرخ بالاتر از سقف قانونی این‌گونه هزینه‌ها دریافت می‌کند. بدین جهت به مصداق ضرب‌المثل مشهور «موسی به دین خود، عیسی به دین خویش» بدون در نظر داشتن تعریف قانونی و مفاهیم اقتصادی ربا در هر کشور، بانک‌های خارجی را متمم به رباخواری کردن صحیح نیست؛ زیرا آنچه که ما در فرهنگ بانکی و شرعی خود ربا می‌دانیم، ممکن است در قوانین این کشورها ربا محسوب نشود. نکته بعدی، آن است که در آن طرف مرز «بهره بانکی» (Bank Interest) ربا محسوب نمی‌شود؛ در حالی که در فقه شیعه هنوز نظر واحدی در این زمینه مشاهده نمی‌شود. در نتیجه اگر بهره بانکی از نظر موازین فقه شیعه از مصادیق ربا باشد، در کشورمان دادن و ستاندن بهره بانکی ربا و تخلف بانکی محسوب خواهد شد؛ درحالی‌که در بانکداری غربی این پدیده نه‌تنها ربا محسوب نمی‌شود بلکه بالعکس، جزئی از عملیات بانکی به رسمیت شناخته شده است.

در پاسخ به این پرسش کلیدی که آیا اصول و موازین قانون عملیات بانکی بدون ربا توانسته است پدیده ربا را از عملیات بانکی پاک‌سازی کند یا خیر، پاسخ‌ها بسته به ذوق و سلیقه پرسش‌شوندگان متفاوت خواهد بود. قدرمسلم آنکه مجامع مذهبی و نهادهای بانکی هر یک براساس ذوق و سلیقه بانکی و مذهبی خود پاسخی متفاوت به این پرسش ارائه می‌دهند. محسوب برخی صاحب‌نظران مذهبی، عملیات بانکی فعلی در ایران هنوز آلوده به ریاست و به عقیده آنان، سود مرکب و خسارت تأخیر و گرفتن خسارت از خسارت از نمونه‌های بارز حضور ربا در سیستم بانکی کشور است. ظاهرا طرفداران این‌نظر،یه، چاره کار را در بازنگری و اصلاح قوانین مربوط به مقررات عملیات بانکی بدون ربا می‌دانند. به همین جهت بنا به اطلاع طرحی ۹۰ ماده‌ای در مجلس در دست بررسی است که موادی از آن به مقررات‌گذاری در زمینه عملیات بانکی بدون ربا پرداخته است. اصول و مبانی تغییرات پیشنهادی در چارچوب مبنای زیر است:

اول؛ در این طرح بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به مؤسسه اعتباری تجاری، مؤسسه اعتباری تخصصی، مؤسسه اعتباری



هم کارگران و هم کارفرمایان با لایحه اصلاح قانون کار مخالفند

سیاه و سفید اصلاح قانون کار

این روزها قانون کار از دو سو با چالش مواجه شده است؛ از یکسو برنامه هفتم توسعه، الزاماتی را برای قانون کار ایجاد کرده که شاید مهمترین و فریبخ‌ترین آنها برای کارگران، افزایش سن بازنشستگی باشد، اما از سوی دیگر و مهمتر از لایحه پیشنهادی برنامه هفتم، پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون کار است که علاوه بر اعتراض جامعه کارگری، مخالفت جامعه کارفرمایی را هم به همراه داشته و اتاق‌های سه‌گانه، خانه صنعت و کانون عالی کارفرمایی خواستار بازنگری اصلاحات انجام‌شده در شورای عالی کار شده‌اند.

در یازدهم اردیبهشت ماه بود که پیش‌نویس لایحه اصلاح موادی از قانون کار با هدف تضمین امنیت شغلی کارگران و ساماندهی قراردادهای کار موقت از سوی وزارت کار به هیأت دولت ارائه شد و تاکنون با واکنش کارگران و کارفرمایان مواجه شده است؛ واکنش‌هایی که نشان می‌دهد این پیش‌نویس نه توانسته است نظر فعالان کارگری را به خود جلب کند و نه انتظارات بخش کارفرمایی را برآورده سازد. در پیش‌نویس این لایحه، مواد ۷، ۹، ۱۰، ۲۴، ۲۷ و ۱۸۲ قانون کار دستخوش اصلاح شده تا قراردادهای شفاهی از متن ماده ۷ حذف شوند، قراردادهای موقت بعد از چهار سال به قراردادهای دائمی تبدیل شوند، دریافت‌ها هرگونه اوراق نظیر چک، سفته و برات از کارگر (که قبلا طبق تصره ۲ ماده ۱۰ انجام می‌شد) ممنوع شود و همچنین با اصلاح تبصره ۳ ماده ۲۷، اخراج زنان کارگر…

۲

قیمت‌های پیشنهادی در مناطق شمالی پایتخت کاهش یافت

مخبره پیام «توقف» به بازار مسکن

۲

مدیریت و کسبوکار
اقناع تصمیم‌گیرنده اصلی در خرید: میانبری برای تیم‌های فروش
<p>یک جوان تک و تنها وقتی دنبال خرید یک خودرو باشد، معمولاً از قبیل تحقیقاتش را کرده و گزینه‌های دقیق مدنظر دارد. به همین خاطر هر چقدر هم که فروشندehا با چرب‌زبانی قصد معرفی اوتومبیلی تازه به او را داشته باشند، احتمالاً شکست خواهند خورد. چنین سناریویی برای یک خانواده با چند بچه قد و نیم قد کاملاً متفاوت است؛ چراکه در خانواده‌ها معمولاً فرزندان هستند که حرف اول و آخر را می‌زنند (هرچه باشد الا‌ن دوران فرزندسالاری است، مگر نه؟). کابوس اصلی تیم‌های فروش همیشه تعامل با خریداری است که خودش تصمیم‌گیرنده اصلی نیست. صرف نظر از مثال بالا درباره یک خانواده پرجمعیت، در مورد BYB هم کلی از این موارد به چشم می‌خورد. کافی است شرکتی را در نظر بگیرید که در آن مسئول تدارکات تصمیم‌گیرنده نهایی نیست و مدیرعامل همه چیز را تعیین می‌کند. آن وقت شما هر چقدر هم روی ذهن مسئول تدارکات…</p>
۸

عملیات بانکی در سیستم بانکی کشور خصوصاً از حیث تأمین و تجهیز منابع و از جهت تخصیص منابع (برو‌اخت انواع تسهیلات و اعتبارات بانکی) زیر موازین و مقررات شرعی نیز مانند هر قانون دیگری باید در سیستم بانکی قابلیت اجرا داشته باشد.

پ؛ برطرف نمودن کمبود و نقص بسیار فاحش طرح ابداعی کمیسیون اقتصادی در زمینه تعهدات و خدمات بانکی که در بانکداری نوین بخشی از مدل کسب و کار بانک‌هاست ولی در طرح ۹۰ ماده‌ای مقررات روشنی برای آن تدوین نشده است. به‌روزآوری قوانین و مقررات بانکی در جهت نزدیک شدن به استانداردهای جهانی بانکداری و بهره‌مندی هرچه بیشتر مردم از خدمات مالی و تعهدات بانک‌ها ضروری است. پس اصلاح و به‌روزآوری قانون عملیات بانکی بدون ربا از این منظر بارز بر تاملیم و تورم ناشی از آن باید توجه داشت که مردم و فعالان اقتصادی، تسهیلات بانکی با نرخ سود کمتر و راحتی پرداخت می‌خواهند. سپرده‌گذاران و سهامداران بانک‌ها نیز انتظار دارند که بانک‌ها اصل سرمایه آنها (سپرده‌های بانکی) را در بازار پرتلاطم و تورم ناشی از آن سرمایه‌گذاری نکنند. آنان را سودآور نماید. بانک نیز مؤسسه‌ای است کاملاً انتفاعی که باستانی در چارچوب موازین صنعت بانکداری توقعات و انتظارات مشترکان را برآور کند و به سهامداران خود نیز سودرسانی کند؛ بنابراین در این مجموعه توقعات و انتظارات منطقی مشتریان نمی‌توان بانک را صندوق پرداخت نقلی کرد و تصور نمود به جای سپرده قرض‌الحسنه ابداع «نظریه وکالت از سپرده‌گذار قرض‌الحسنه»، مشکلات بانکی مردم را حل خواهد کرد. در حال حاضر، پرسش این است که آیا مقررات پیش‌بینی‌شده در طرح ۹۰ ماده‌ای بانکداری، خواسته و انتظارات مردم از شبکه بانکی کشور را محقق خواهد ساخت؟ از نظر نگارنده، پاسخ این پرسش از جنبه بانکی منفی است. این طرح آرمان‌گرایانه و بدون توجه کافی به امکانات اجرایی آن در شبکه بانکی کشور تنظیم شده و نه تنها اسباب کاهش هزینه‌ها و نرخ تسهیلات بانکی را فراهم نمی‌آورد بلکه برعکس به نظر می‌رسد در صورت عدم اصلاح اساسی و تصویب نهایی آن به همین صورت فعلی، شبکه بانکی کشور را خصوصاً از حیث تأمین و تجهیز منابع سپرده‌گذاری دچار مشکلات اساسی خواهد کرد. همچنین از نظر مطالبقت این طرح با موازین شرعی موضوع قطعاً نیازمند اعطای نظر مراجع عظام تقلید است. روشن شدن ابعاد دقیق این موضوع از جنبه فقهی ضروری است و بایستی از جنبه فقهی مشخص گردد آیا نظام بانکی کشور در برابر زیان سپرده‌گذاران و سهامداران ناشی از تورم، مسئول جبران کاهش ارزش دارایی آنان است یا خیر؟

باورپذیری این مطلب برای مردم مشکل است که بعد از چهار دهه اجرا اکنون مدعی غیرشرعی بودن مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا باشیم. نسخ شتازنده مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا و شتابزدگی در تصویب قوانین مرجع بانکی، صحیح نیست. اینگونه قوانین نیازمند بررسی و توجه به امکانات اجرایی قوانین جدید در شبکه بانکی است، وگرنه «وجه التزام خسارت تأخیر» و عدم طراحی جایگزین مناسب حذب پرداخت شرعی موضوع قطعاً نیازمند اعطای نظر مراجع عظام تسقید است. روشن شدن ابعاد دقیق این موضوع از جنبه فقهی ضروری است و بایستی از جنبه فقهی مشخص گردد آیا نظام بانکی کشور در برابر زیان سپرده‌گذاران و سهامداران ناشی از تورم، مسئول جبران کاهش ارزش دارایی آنان است یا خیر؟

باورپذیری این مطلب برای مردم مشکل است که بعد از چهار دهه اجرا اکنون مدعی غیرشرعی بودن مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا باشیم. نسخ شتازنده مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا و شتابزدگی در تصویب قوانین مرجع بانکی، صحیح نیست. اینگونه قوانین نیازمند بررسی و توجه به امکانات اجرایی قوانین جدید در شبکه بانکی است، وگرنه «وجه التزام خسارت تأخیر» و عدم طراحی جایگزین مناسب حذب پرداخت شرعی موضوع قطعاً نیازمند اعطای نظر مراجع عظام تقلید است. روشن شدن ابعاد دقیق این موضوع از جنبه فقهی ضروری است و بایستی از جنبه فقهی مشخص گردد آیا نظام بانکی کشور در برابر زیان سپرده‌گذاران و سهامداران ناشی از تورم، مسئول جبران کاهش ارزش دارایی آنان است یا خیر؟

الف؛ از جنبه عدم مغایرت با موازین فقهی، نظر خواهی

از مراجع عظام تقلید درخصوص مواد مختلف این طرح با تأکید بر حفظ هیزمان حقوقی شرعی سپرده‌گذاران،

تسهیلات‌گیرندگان و سهامداران بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

ضرورت دارد.

ب؛ از جنبه قابل اجرا یا غیرقابل اجرا بودن طراحی جدید

نگاه

در نشست «راهکارهای خروج از وضع موجود» تشریح شد

۷ سناریوی پیش روی ایران

چهارمین نشست از سلسله‌نشست‌های «راهکارهای خروج از وضع موجود» با نگاهی به ناآرامی‌های سال گذشته به همت انجمن جامعه‌شناسی ایران و مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با حضور «بولفضل دلاوری»، استاد علوم سیاسی و «محمد فاضلی»، جامعه‌شناس سیاسی برگزار شد. «بولفضل دلاوری»، اولین سخنران این نشست بود که بحث خود را با عنوان «بحران‌های انباشته و چشم‌انداز آینده سیاسی در ایران» آغاز کرد و با تشریح وضعیت ایران با نگاه جامعه‌شناختی تاریخی از مسائل و مشکلاتی گفت که مثل نوک کوه یخ قابل مشاهده است، اما همه این مشکلات یک فرآیند طولانی و ریشه‌دار دارند. او وضعیت امروز کشور را در چهار لایه ساختاری، گفتمانی، روزمره و اسطوره‌ای تبیین کرد و هفت سناریوی پیش روی جامعه ایران را برشمرد. «دلاوری» با بیان اینکه «آنچه در نهایت تعیین‌کننده است، کارگزاران سیاسی، رهبران سیاسی و تصمیم‌گیران سیاسی هستند»، گفت: «آنچه امروز به‌صورت روزمره ملموس است و درک آن نیازی به آمار و ارقام ندارد، عبارت است از تداوم و انباشت انواع بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی.» وی سپس به انواع گفتمان‌ها عم از گفتمان مدرنیسم، گفتمان سنتی و گفتمان تاریخ‌نوین اشاره کرد و توضیح داد: «گفتمان نوین به واسطه موانع و بن‌بست‌های موجود در مسیر نتوانست نسبت خود را با امر واقع در جهان امر وفق دهد و برای همین دچار بن‌بست‌هایی شد که از دهه ۱۳۶۰ پیش آمد و در دهه ۱۳۷۰ تئوریزه شد.»

استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی به تشریح نشانه‌های بحرانی در چهار لایه تحلیلی خود پرداخت و افزود: «در لایه ساختاری شاهد استهلاک ناکارکردی و خروج نیروهای انسانی به‌ویژه در سطح نخبگان، ناسازگی‌های ساختاری و آشفتگی‌های نهادی در نظام سیاسی و شیوه‌های حکمرانی، استهلاک فرآینده منابع زیستی و تشدید اختلال‌های اکوسیستمی، تشدید اختلال در فرآیندها و سازوکارهای تولید، مبادله و منابع، فعال شدن انواع شکاف‌های هویتی فرهنگی تاریخی و ساختاری عم از قومیتی، مذهبی، طبقاتی، مرکز پیرامون، دین‌دولت و … هستیم.» او سپس با اشاره به مشکلات نظم سیاسی موجود، از موضع دولت فریه و بزرگ انتقاد کرد و گفت: «استقرار دولت انتزاعی، بحران بوروکراسی و تکنوکراسی و عملکرد آنها مثلا در برابر برنامه هفتم توسعه نشان می‌دهد که با چه موانع و مشکلاتی روبه‌رو هستیم. به‌نظر می‌رسد که هیچ جریان فکری پشت نظم موجود نیست و مسائل به‌صورت پیچیده مطرح شده است.» به گفته «دلاوری»، «در لایه گفتمانی یا به عبارتی در نظام معنایی حاکم بر گروه‌های مختلف جامعه، با افول و استحاله گفتمان اسلام سیاسی، ناتوانی بخش‌های سنتی اسلام‌گرا در بازتولید عناصر، تفسیرهای واگشت‌گرایانه از عناصر اسلام سیاسی عم از عدالت، حاکمیت مردم و …، انفعال بخش‌های مدرن اسلام‌گرا در ترمیم و به‌روزرسانی گفتمان، تقویت و عرض‌انداز گفتمان‌های رقیب عم از ناسیونالیسم، سکولاریسم، مذهب‌ستیزی و… مواجه هستیم. جامعه ایران منتظر تحول بزرگی است، عوام و خواص و بخشی از کارگزاران دولت هم به چنین تحلیلی رسیده‌اند. ما در وضعیت بازگشت‌ناپذیر تاریخی هستیم و باید گفتمان‌ها اصلاح شوند.»

او در ادامه این نشست به طرح سناریوهای پیش روی جامعه ایران پرداخت و گفت: «بن سناریوها شامل ادامه وضع موجود، اصلاحات محدود، توسعه‌طلبی خارجی، اصلاحات عمیق، جنگ داخلی و دگرگونی انقلابی و سناریوی همکاری و مصالحه هستند. جامعه ایرانی بسیار سیال است، این جامعه جز در دوره‌ای قابل کنترل نیست و باید در این جامعه الزامات توسعه مورد توجه قرار گیرد و راه حل بحران‌ها بررسی شود. سناریوی اول، ادامه وضع موجود است، با احتمال وقوع متوسط و نتیجه حرکت به سمت وضعیت ونزولانی شدن. سناریوی دوم، اصلاحات محدود است که احتمال وقوع آن زیاد بوده و نتیجه آن حرکت به سمت وضعیت پاکستانی شدن است. سناریوی سوم، سرکوب داخلی و توسعه‌طلبی خارجی است که میزان احتمال آن بسیار کم است و نتیجه آن حرکت به سمت وضعیت کره شمالی شدن خواهد بود. سناریوی چهارم، اصلاحات عمیق است که احتمال وقوع آن بسیار کم بوده و در صورت وقوع دگرگونی‌های غیرمتریقه در ترکیب گروه حاکم، احتمال آن افزایش می‌یابد. سناریوی پنجم، جنگ داخلی است که احتمال نوع محدود آن کم و نوع گسترده آن بسیار کم برآورد می‌شود. سناریوی ششم، دگرگونی انقلابی است که احتمال وقوع این مورد نیز بسیار کم خواهد بود. نهایتاً سناریوی هفتم، همکاری و مصالحه است که سناریویی مطلوب و آینده‌ساز محسوب می‌شود، اما احتمال وقوع آن مشروط به کنش نیروهای مخالف به‌ویژه نیروهای سیاسی حرفه‌ای، گروه‌های ذی‌نفع به‌ویژه صاحبان منابع و سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متوسط بوده و برای وقوع آن باید الگوی کنش فعال باشد و در مراحل اولیه غیرمستقیم – عملی و در مراحل بعدی گفت‌وگویی – مذاکراتی پیش برود.»

«دلاوری» به الزامات سنناریوی مطلوب و آینده‌سازانه اشاره کرد و گفت: «این سناریو در کوتاه‌مدت عملی نیست. در امر سیاسی لازم نیست پروژه‌ای از پیش تعیین‌شده باشد. باید نیروهای سیاسی، گروه‌های ذی‌نفع و نیروهای میانه‌رو میانداری کنند. باید گفت‌وگو اپوزیسیون و پوزسیون و نیروهای سیاسی در دستور کار قرار گیرد. گفت‌وگو هم‌افزایی می‌آورد و ما را از گفتمان‌های آنتاگونیستی به سمت حقیقت حل‌منازعه راهبری می‌کند.»

سخنران بعدی این نشست نیز «محمد فاضلی»، استاد جامعه‌شناسی سیاسی بود که از شکاف دولت و ملت پیش آمده در ایران سخن گفت و افزود: «مشاهده فساد، ظرفیت کنش جمعی مهانگ مردم برای تولید خیر جمعی را از بین برده و اعتماد در جامعه تضعیف شده است. استفاده از نیروی عظیم توده برای توسعه و خیر جمعی نیازمند اعتماد است که خدشه برداشته و تا اندازه‌ای از بین رفته است.» او مسیرهای آتی جامعه ایران را تشریح کرد و ادامه داد: «اصلاحات معنادار؛ معنادار با این تعریف که اهداف قابل حصول بالارزشی برای مردم را دسترس‌پذیر جلوه دهد. مثلا جهان عادلانه برای مردم در دسترس نیست. قانع‌کننده باشد. دسترس بودن یعنی با تحلیل هزینه و فایده قابل به دست آمدن باشد. این اهداف می‌تواند بین مردم نیروی جمعی خلق کند. طریق و شیوه رفتن با جامعه طرح شود و مردم بر سر آن اجماع کند. مسیر دوم، زوال تدریجی است؛ یعنی نظم سیاسی باقی می‌ماند ولی به تدریج جامعه افردی‌تر و عصبانی‌تر می‌شود. این زوال در درازمدت برای آید باقی نمی‌ماند و سر به سویه سوم یعنی خشونت و چرخه خشونت می‌زند.» به گفته وی، «برای اصلاحات معنادار چه باید کرد؟ پایان هر انقلابی تقویت اقتدارگرایان است. ما وقتی می‌توانیم جامعه را اصلاح کنیم و برای این کار باید بتوان پروژه‌های مشترکی بین دولت و فرد تدریفی شود.» «فاضلی» به گفتمان‌های جنگ، سازندگی، اصلاحات و گفتمان عدالت اشاره کرد و گفت: «ما از سال ۱۳۹۷ به بعد هیچ قصه‌ای نداریم. ما در کنار نبرد پروژه مشترک دولت-ملت بی‌قصه شده‌ایم. حکومت، جامعه و بازار را وتو کرده است و این ظرفیت تولید خیر جمعی را از بین برده است. برای اصلاح جامعه ایران باید مردم چشم‌اندازی از اهداف ارزشمند و قانع‌کننده ارائه شود و مسیرهای نیل به این اهداف روشن شوند.»

این استاد جامعه‌شناسی در ادامه صحبت‌هایش به چالش‌های داخلی، خارجی و ابرچالش‌ها و ابربحران‌ها اشاره کرد و در نهایت بر بحران محیط زیست و بازگشت به جهان واقعی تأکید کرد که باید مورد توجه قرار گیرد. به گفته «فاضلی»، «بازگشت به جهان، بسیار پروژه دشواری است. شما چه چیزی را با جهان معامله کنید؟ باید جایگاه و ظرفیت واقعی کشور شناسایی شود و به هر تومم غیرواقع‌بینانه پایان داد.»

هم کارگران و هم کارفرمایان با لایحه اصلاح قانون کار مخالفند

سیاه و سفید اصلاح قانون کار



برنامه هفتم علیه نیروی کار

اما جدا از پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون کار، برنامه هفتم توسعه نیز چالش‌هایی را برای نیروی کار به وجود آورده است. از جمله بندهای عجیبی که در لایحه برنامه هفتم توسعه پیشنهاد شده است، ماده ۱۵ این برنامه است. در ماده ۱۵ لایحه برنامه هفتم، به کارفرما اجازه داده شده تا «در سه سال اول اشتغال به کار هر فردی» حداقل دستمزد به صورت «صافه» پرداخت شود و کسورات بیمه‌ای او نیز بر همین مبنا باشد؛ ضمن اینکه کارفرما حق «لغو قرارداد» فرد را نیز داشته باشد. جالب آنکه ماده ۱۶ برنامه هفتم از این هم فراتر رفته و با هدف آنچه «تقویت انگیزه بنگاه‌ها برای افراد متقاضی به کار تحت پوشش بهزیستی یا کمیته امداد یا مرتبط با سازمان زندان‌ها» خوانده شده است، انعقاد قرارداد کار با این دسته افراد با پرداخت‌های کمتر از حداقل دستمزد فراهم می‌شود.
بغرنج‌ترین چالش در این میان، «افزایش سن بازنشستگی» است. اگرچه صندوق‌های بازنشستگی دچار بحران هستند اما به نظر می‌رسد برای پوشش بدهی دولت به این صندوق‌ها، از افزایش سن بازنشستگی کارگران هزینه شده است. براساس ماده ۶۶ لایحه برنامه هفتم، سن و سابقه قابل قبول در تمامی حالات احراز شرایط بازنشستگی در کلیه سازمان‌ها و صندوق‌های بازنشستگی در طول برنامه هفتم به ازای هر سال شش ماه افزایش می‌یابد؛ یعنی اگر در سال ۱۴۰۳ قرار باشد اجرای برنامه هفتم توسعه آغاز شود، فردی که به سن بازنشستگی رسیده باید شش ماه دیگر هم کار کند و حق بهره‌بردازد تا بازنشست شود. همچنین در سال ۱۴۰۴ کسی که به سن بازنشستگی رسیده باید یک سال دیگر هم کار کند. در سال ۱۴۰۵ نیز افراد در سن بازنشستگی باید یک سال و نیم و در سال ۱۴۰۶ (سال پایانی برنامه) هم باید دو سال بیشتر کار کنند. بنابراین در دوره پنج ساله برنامه هفتم به تدریج سن بازنشستگی، دو سال و نیم افزایش پیدا می‌کند. هر چند بحران صندوق‌های بازنشستگی، یکی از ابرچالش‌های اقتصاد ایران شده است. همچنین بنا به گفته «علی خضریان» نماینده مجلس، تلاش معرض ورشکستگی هستند، اما اینکه برای حل معضل بدهی دولت از افزایش سن بازنشستگی نیروی کار هزینه شود، نمی‌تواند اصلا مسفانه باشد. به نظر می‌رسد در صورت تصویب نهایی مواد ۱۵ و ۱۶ و ۶۶ برنامه هفتم، شرایطی برای نیروی کار به مراتب سخت‌تر می‌شود.

صورت یکطرفه از سوی دولت و بدون حضور کارگران و کارفرمایان اتفاق افتاد. به همین خاطر، پیش‌نویس لایحه اصلاح موادی از قانون کار با واکنش نهادهای کارگری و کارفرمایی مواجه شده و آنها خواستار بررسی اصلاحات صورت گرفته در شورای عالی کار شده‌اند. کارشناسان امر هم حق را به کارگران و کارفرمایان می‌دهند؛ چراکه چنین لایحه‌ای باید با مشارکت شرکای اجتماعی و در شورای عالی کار مطرح شود. از سوی دیگر، بیم آن می‌رود که با رویکرد یکطرفه دولت، روابط دوطرفه بین کارگر و کارفرما آسیب ببیند و کارگران و کارفرمایان در مقابل هم قرار بگیرند که این موضوع به هیچ وجه به نفع فضای کسب‌وکار نیست.

در ماده ۷ پیش‌نویس لایحه اصلاح موادی از قانون کار، سقف قراردادهای چهار سال تعیین شده است؛ یعنی اگر کارگری به مدت چهار سال در جایی کار کند، قرارداد او پس از این مدت از موقت به دائم تبدیل می‌شود. بنابراین در صورت تصویب نهایی، حداکثر مدتی که می‌توان با کارگران مشمول قانون کار قرارداد مدت موقت امضا کرد، چهار سال خواهد بود و بعد از آن، قرارداد موقت به حالت دائمی درخواهد آمد. طبق بررسی‌ها، بیش از ۹۰ درصد کارگران قراردادهای موقت دارند و امنیت شغلی، مهم‌ترین خواسته و مطالبه آنهاست. از متن ماده ۷ حذف شوند، قراردادهای موقت بعد از چهار سال به قراردادهای دائمی تبدیل شوند، دریافت هرگونه اوراق نظیر چک، سفته و برات از کارگر (که قبلاً طبق تبصره ۲ ماده ۱۰ انجام می‌شد) ممنوع شود و همچنین با اصلاح تبصره ۳ ماده ۲۷، اخراج زنان کارگر در ایام مرخصی زایمان و دوره دو ساله شیردهی به هر عنوان ممنوع گردد. شوریختانه این اصلاحات علاوه بر کارگران، صدای اعتراض کارفرمایان را هم درآوردند است. به گفته کارشناسان، قانون کار باید مجموعه‌ای از قوانین باشد که با هر رسمیت شناختن حقوقی برای هر یک از طرفین رابطه کار، از زیر پا گذاشتن حقوق طرف مقابل جلوگیری کند، اما اصلاحات دیده‌شده در این پیش‌نویس نه‌تنها حقوق کارفرما را نادیده گرفته که حتی دستیابی کارگر به حقوق خود را هم با اما و اگرهای تازه‌ای مواجه کرده است.

خداحافظی با قرارداد موقت

با وجودی که مطالبه اصلاح قانون کار از مدت‌ها پیش نزد فعالان اقتصادی وجود داشته، اما این مهم در روزهای پایانی سال گذشته به

قیمت‌های پیشنهادی در مناطق شمالی پایتخت کاهش یافت

مخابره پیام «توقف» به بازار مسکن

در هر متر مربع افزایش یافته بود، هم‌اکنون تحت تاثیر افت انتظارات تورمی کاهش یافته است. تعیین نرخ‌های بی‌عقده در غرب تهران به گونه‌ای بود که قیمت‌ها بخصوص در بخش املاک نوساز بعضاً با محلات شمالی پایتخت برابری می‌کرد. مجموعه عواملی شامل برقراری ارتباط با عربستان سعودی، تفاهم‌نامه با روسیه برای ساخت راه‌آهن رشت – آستارا، سطح خوب مناسبات با چین، سفر پادشاه عمان به ایران، وعده آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده که فقط یک فقره آن ۱۱ میلیارد دلار طلب از کشور عراق است، از بهبود نسبی چشم‌انداز اقتصادی کشور خیر می‌دهد. از سوی دیگر، نرخ رشد نقدینگی به عنوان عاملی که به تورم دامن می‌زند، ۹ درصد کاهش یافته است. همچنین برنامه دولت برای اخذ مالیات خانه‌های خالی از ۱۵ شهروبرماه امسال و مالیات بر عایدی سرمایه که هم‌اکنون در مجلس بررسی می‌شود، از دیگر عواملی است که می‌تواند به عرضه مسکن و ساماندهی این بازار کمک کند. کاهش قیمت خودرو و سکنه بورس پس از رشد ماه‌های اخیر، از سیگنال‌های دیگری است که پیام مثبت به بازار مسکن مخابره کرد.

واسطه‌های ملکی می‌گویند که نرخ‌های پیشنهادی در مناطقی از شهر تهران که با مزاد عرضه مواجه شده، تا ۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است. افت قیمت در شهرهای اطراف از جمله شهر پردیس تا بیش از ۲۰ درصد نیز می‌رسد. در شهرهای پردن و هشتگرد نیز طبق گفته مشاوران املاک، قیمت‌ها کاهش یافته است. البته بازار با دو معضل کمبود فایل‌های کوچک‌متراز و عرضه مزاد واحدهای بزرگ مواجه است که باعث شده نرخ کاهش قیمت در آپارتمان‌های کوچک کمتر از واحدهای بزرگ باشد. کارشناسان معتقدند ادامه ثبات بازار مسکن منوط به حفظ و بهبود شاخص‌های اقتصادی است. اگر تورم مهار شود، نقدینگی که عمدتاً به قصد حفظ ارزش دارایی به خرید مسکن، ارز و طلا اختصاص می‌یابد، می‌تواند به بخش تولید وارد شود و از انتظارات تورمی در بازار ملک بکاهد. معمولاً بازار مسکن تحت تاثیر دو عامل بیرونی و درونی قرار دارد. عوامل درونی شامل نوسانات قیمت زمین، نرخ مصالح ساختمانی، عوارض شهرداری و نرخ دستمزد است. عوامل بیرونی نیز به اثر گذاری بازارهای موازی بر بازار مسکن مربوط می‌شود که یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها، تغییرات قیمت ارز است که در هفته‌های اخیر، روند کاهشی به خود گرفته است.

کاهش قیمت‌ها در بازارهای ارز و خودرو در اولین گام باعث افت قیمت‌های پیشنهادی مسکن در مناطق شمالی پایتخت شده و انتظار می‌رود این موج به سایر مناطق تهران برسد. به گزارش «ایستنا»، سیگنال‌های صادرشده از اقتصاد کلان بر بازار مسکن تاثیر گذاشته و انتظارات تورمی در این بازار را مهار کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد به دنبال ثبات و کاهش قیمت ارز، بازار مسکن در تهران و شهرهای حومه دچار افت شده و عطش تقاضای سرمایه‌گذاری کاهش یافته است. به نظر می‌رسد کنشگران بازار ملک، چشم‌انداز ارائه‌شده از شرایط اقتصادی را دریافت کرده و معاملات را به حالت تعلیق درآورده‌اند. برداشت کلی بازار مسکن، این است که در مقطع فعلی، ریسک‌های غیراقتصادی کاهش یافته و این می‌تواند چشم‌انداز بازار املاک را به سمت ثبات سوق دهد. اولین مرحله از شوک ریزش قیمت ارز در بازار مسکن مناطق شمالی تهران بروز پیدا کرد. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد پس از سکنه بازار ملک در پایتخت، نرخ‌های پیشنهادی در مناطق شمالی تهران بین ۱۰ تا ۲۰ درصد کاهش یافته است. طولانی‌شدن فرآیند رکود فروش آپارتمان‌های بزرگ‌متراز و لاکچری محله‌های شمال تهران باعث شده تا شتاب کاهش قیمت این نوع واحدها بیش از آپارتمان‌های کوچک واقع در مناطق جنوبی باشد. در حال حاضر، معاملات مسکن در تمامی مناطق تهران دچار رکود شده و واسطه‌های ملکی انتظار دارند در فاز دوم، ریزش قیمت‌ها به مناطق میانی همچون مناطق ۴، ۵ و ۸ سرایت کند؛ هرچند مقایسه نرخ‌های فروش در آگهی‌ها نسبت به ماه گذشته از کاهش تا ۱۰ درصدی قیمت‌های اعلامی در مناطق متوسط حکایت دارد. با توجه به نوسان شدید نرخ‌های پیشنهادی در مناطق میانی شهر تهران، افت مجدد قیمت‌ها بسیار محتمل است.

تا ماه گذشته قیمت‌های اعلامی در محلات شمالی پایتخت بعضاً از متری ۲۰۰ میلیون تومان فراتر رفته بود، اما هم‌اکنون نرخ‌ها در محدوده ۱۵۰ تا ۱۷۰ میلیون تومان است. در بعضی آگهی‌ها براساس موقعیت و امکانات، نرخ‌های در کانال متری ۱۰۰ میلیون تومان هم دیده می‌شود. تمایل برای فروش آپارتمان در مناطق میانی و شمالی تهران نیز افزایش یافته است. از طرف دیگر، قیمت‌های پیشنهادی در مناطق غربی تهران که در هفته‌های ابتدایی سال جاری در مواردی تا بیش از ۱۵۰ میلیون تومان

